

وقتی

خودمان را

جادو می‌کنیم

■ جادوگرها

■ رولد دال / شهلا طهماسبی

● سید علی کاشفی خوانساری

رولد دال را می‌شناسیم و در اینکه نویسنده توانمندی است تردیدی نداریم. داستان «جادوگرها» هم یکی از کارهای خوب اوست و جا دارد از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد، اما در این یادداشت کوتاه تنها به تاملی درباره محتوای آن اکتفا می‌کنم. دیدگاهی سنتی در تعلیم و تربیت وجود داشته و دارد که ما را از ترساندن بچه‌ها و برهم زدن امنیت ذهنی آنان باز می‌دارد. ظاهراً در جریان نوگرایی‌های فرهنگی در سطح کلان اجتماعی، ناشر، مترجم، و همین‌طور وزارت ارشاد خواسته‌اند که در زمینه کتاب کودک نیز فضای باز فرهنگی و نوآوری تجربه شود. حال آنکه هر دوستدار کودکی، خواه نویسنده و ناشر و خواه معلم یا پدر و مادر قاعدتاً صلاح نمی‌داند که کودکان مورد آزمایشهای نامطمئن قرار گیرند. درونمایه اصلی این کتاب «ترس» است جداً از این بابت کتاب گیرا و جذابی است. کتاب، درباره جادو و جادوگران است و این البته چیز تازه‌ای نیست. حتی می‌شود گفت دیگر کودکان از جادوگران قصه‌ها نمی‌ترسند، اما جادوگران کتاب «جادوگرها» با جادوگرهایی که در قصه‌های دیگر شناخته‌ایم فرق دارند و حساسیت برانگیزی کتاب به همین خاطر است: «اما این داستان، داستان شاه پریان نیست، این داستان جادوگرهای واقعی است» ص ۱.

«جادوگرهای واقعی لباسهای معمولی می‌پوشند و سر و وضعشان کاملاً شکل زنجای معمولی است» آن‌ها در خانه‌های معمولی زندگی می‌کنند و شغل‌های معمولی دارند» ص ۱، «یک جادوگر هرگز دستگیر نمی‌شود... در دنیا هیچ کشوری از شر جادوگرها در امان نیست، جادوگرها همیشه زن هستند» ص ۳. مثالی از این دست آن قدر در کتاب فراوان است که برای ذکر آن باید بسیاری از کتاب‌ها را نقل کرد. شاید اگر بخواهیم کتابی ترسناک و اضطراب‌آور برای کودکان مثال بزنیم این کتاب از بهترین‌ها می‌باشد. «هیچ وقت نمی‌توانید مطمئن باشید کسی که جلو چشمتان است یک جادوگر است، یا یک خانم رتوف... ممکن است همین الان در همسایگی شما یک جادوگر زندگی کند. شاید همان زنی که امروز در اتوبوس روبروی شما نشسته بود... جادوگر بوده» ص ۴، «ممكن است حتی معلم دوست داشتنی شما جادوگر باشد. با دقت به معلم نگاه کنید شاید لبخند جزئی از نقشه‌اش باشد» ص ۵.

لازم است چنین متنهایی
مورد پژوهشهای نشانه‌شناسانه قرار
گیرد و پیش از انتشار
عمومی در آزمونهای اکتشافی
تائید شود

در ادبیات کودک بین
خواننده و متن «موازنه قدرت» از
نوع فوکویی حاکم نیست

باید ببینیم چه توجیهی می‌تواند برای نشر این کتاب وجود داشته باشد. اولین پاسخ همان تئوری قدیمی تخلیه هیجان و پالایش است. ارسطو حدود ۲۲۰۰ سال پیش در جمله کوتاهی نوشت که کشتار در تراژدی به پالایش می‌انجامد. این جمله مبهم صدها سال مورد تفسیرهای گوناگون قرار گرفت و از آن اینگونه تعبیر شد که تماشاگر صحنه‌های خشونت و وحشت پس از پایان نمایش به پالایش درونی می‌رسد که او را از ارتکاب چنین اعمالی برحذر خواهد داشت. با این همه تفسیر جدید از کتاب ارسطو که مبتنی بر زبان‌شناسی و بررسی متون باستانی به لحاظ ساختن شرایط و زمان خلق متن است، به طور کلی منکر استفاده چنین معنایی از جمله ارسطو می‌شوند. در «دائرة المعارف فلسفه» «پل ادواردز» از قول پرفسور «جرالد - اف - الس» آمده است که «پالایش تأثیری بر روی حضار یا خواننده نیست بلکه چیزی است که در خود نمایش انجام می‌شود، تطهیر خود قهرمان است، آزادی و رهایی از «لودگی خونی» جنایتش که به واسطه تشخیص خود وی از آن، وحشت از آن و کشف اینکه این کار سبب «شتباهی مبهم» (Hamartia) از سوی خود او بوده»^(۱)

دیگر آنکه شاید گفته شود امروزه نوجوانان در معرض خشونت بارترین و ترسناک‌ترین فیلم‌های ویدئویی و بازیهای کامپیوتری هستند و بیشتر نسبت به وحشت آمیخته با این داستان مصونیت یافته‌اند. در پاسخ به این نظر باید گفت آنچنان که از بزرگان علم زبان‌شناسی و هرمنوتیک شنیده‌ایم نمی‌توان تاثیر واحدی برای یک متن در نظر گرفت. شاید یک پسر نوجوان تهرانی و از قشر مرفه با مفروضات فوق الذکر از خواندن چنین کتابی لطمه نبیند اما این حکم قطعاً در مورد کودکان، دختران و شهرستانی‌ها قابل تعمیم نیست. (کتاب هم مخاطب خود را مشخص نکرده و کتابهای «مریم» نشر مرکز ویژه کودکان و نوجوانان هر دو است.) امروزه هر متنی چند معنایی قلمداد می‌شود و نمی‌توان برداشت قشری محدود را به نوع مخاطب تعمیم داد و در فرایند گفتگومانی واخوانی این متن، تأثیراتی چون برهم خوردن امنیت ذهنی کودک، امحاء اعتماد او به همسایگان، معلمان و بستگان، ترس از بیگانگان، ترس از خلوت و سکوت و... محتمل دانسته

می‌شود.

توجه دیگر می‌تواند پایان داستان باشد. (در پایان داستان، جادوگرها شکست می‌خورند) ممکن است گفته شود پایان خوش داستان کلیه آثار سوء را مرتفع خواهد ساخت و کودک می‌پذیرد که با دلاوریهای قهرمان داستان دیگر خطری از جانب جادوگران متوجه او نیست. باید گفت که کودک با پیش فرضهای ذهنی خود به سراغ اثر می‌آید و درک او از متن چندان قابل پیش‌بینی و کلی نیست و تصاویر پراکنده و منقطعی از داستان جدا از پیرنگ کلی آن در ناخودآگاه او نقش خواهد بست؛ مفاضاً اینکه چندان دور از ذهن نیست اگر احتمال بدهیم برخی خوانندگان، خواندن کتاب را به دلیل وحشت ناتمام می‌گذارند. به طور کلی، گفتمان، مخاطب را جزوی از متن می‌داند و معتقد است که به تعداد خوانندگان هر متن، مفاهیم معنایی گوناگونی شکل می‌پذیرد. (مشابه تئوری «رمان گشوده» امبرتو اکو) لذا هر مخاطب با توجه به شرایط فرامتنی خود، با یافتن اجزاء و المانهای مشابه با متن در زندگی خود، بخشی از متن را بازخوانی (تداعی) می‌کند و مطابق شرایط خاص محیطی خویش به تعبیرات جدید می‌رسد. لازم است چنین متنهایی به طور دقیق مورد پژوهشهای نشانه‌شناسانه قرار گیرد و پیش از انتشار عمومی در آزمونهای اکتشافی تایید شود.

دلیل دیگری که می‌تواند برای چاپ چنین کتابی طرح گردد این است که رولد دال نویسنده معتبری در عرصه ادبیات کودک است و قطعاً از دغدغه‌های تربیتی و روان‌شناختی عاری نیست. لذا اثر او را می‌توان سالم و امتحان شده دانست. مضافاً اینکه در کشورهای غربی، نهادهای مدنی متعددی بر خوانندنیهای کودکان از منظرهای مختلف از جمله آسیب‌شناسی‌های فردی و اجتماعی نظارت دارند. لذا توفیق عمومی این کتاب، موید جلب اطمینان و صحه‌گذاری آن کارشناسان است. در پاسخ به این عقیده نیز می‌توان گفت «قوم‌نگاری گفتار»^(۱) که به صورت یکی از پایه‌های نقد نو درآمده است معتقد است متنی واحد در محیطهای زبانی و فرهنگی متفاوت می‌تواند برداشتهایی متفاوت و حتی متضاد را در پی داشته باشد. در حقیقت در تحلیل متن در کنار توجه به متن، بافت و زمینه نباید از بافت موقعیتی^(۲) غفلت کرد ساختار فرهنگی و تاریخی جامعه انگلیس پس از پیشینه قرون وسطایی هنوز نیز موضوع جادوگری را به عنوان مقوله‌ای زنده و روزآمد در خود دارد. حال آنکه این موضوع در کشور ما تنها به مفهومی سنتی محدود است و به شدت مورد سانسور خبری قرار می‌گیرد. در ثانی حسن نیت مؤلف به تنهایی کافی نیست. براساس نظریه «استقلال معنای ذاتی»^(۳) (گادامر) معنای متن از آگاهی فردی استقلال دارد. معنای متن همواره فراتر از معنایی است که مؤلف در سر داشته است. فهم، فعالیتی تولیدی است نه استخراجی، حتی نظریاتی وجود دارد که حکم به غیرقابل کنترل بودن و شخصیت مستقل داشتن متن می‌دهد. (مثل تئوری مرگ نویسنده - رولان بارت)

کتاب ماه کودک و نوجوان / مهر ۱۳۸۷

آخرین توجیهی که برای چاپ این کتاب به ذهن می‌رسد این است که بگوییم که خواننده قدرت تعقل و تحلیل متن دارد. لذا می‌تواند حکم به غلط بودن اتفاقات داستان بدهد و به شکلی مختار و فعال، اندیشه مندرج در متن را نپذیرد. مطابق این نظر خواننده، منفعل و پذیرای محض نیست و در پذیرش و یا انکار پیام تواناست. (شبه تئوریهای گشتالتی، استحکام و نیازجویی در ارتباطات) در پاسخ به این فرض نیز می‌توان گفت در ادبیات کودک بین متن و خواننده «موازنه قدرت» از نوع «میشل فوکو»^(۴) بی‌آن حاکم نیست و نمی‌توان آن را رابطه‌ای گفتمانی دانست. نمی‌توان رابطه کودک و نویسنده و یا کودک و متن را مبتنی بر «عقلانیت ارتباطی»^(۵) دانست و حاکم بودن وضعیت کلامی ایده‌آل آنگونه که هابرماس تعریف می‌کند و به گفتگوی دو جانبه و برابر می‌انجامد، تقریباً غیرممکن است.

به هر حال به طور خلاصه می‌توان گفت هنوز توجه قابل قبولی برای به وحشت انداختن کودکان وجود ندارد و کمتر چاپ چنین کتابهایی متداول بوده است، لذا باید ترجمه و نشر آن را در ایران یک اتفاق قلمداد کرد. اتفاقی که ظاهراً چندان با ضوابط فعلی چاپ و نشر کتابهای کودک سازگاری ندارد.

پانویسها:

- ۱- تاریخ و مسائل زیباشناسی از دایرةالمعارف فلسفه پل ادواردز، ترجمه دکتر سید محسن فاطمی، حوزه هنری، ص ۲۱
- ۲- Ethnography of Speech
- ۳- Context of Situation
- ۴- Semantic Autonomy
- ۵- Communitive Rationality



دیدگاههای سنتی تعلیم و تربیت ما را از ترساندن بچه‌ها و برهم زدن امنیت ذهنی آنان باز می‌دارد

فرضیه
«پالایش ناشی از ترس» در مورد
این کتاب صادق نیست

هر متنی چند معنایی است
و نمی‌توان برداشت قشری محدود را
تعمیم داد

جناب آقای باقری
مدیر محترم روابط عمومی کانون

انتخاب روابط عمومی کانون به عنوان
رتبه سوم در میان روابط عمومی‌های کشور
در «ششمین جشنواره برترین‌های روابط
عمومی کشور» را تبریک می‌گوییم.

کتاب ماه کودک و نوجوان